

بررسی میزان دینداری و نقش آن در شامادنی جوانان

شراره مهدی‌زاده^۱

فاطمه زارع غیاث‌آبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۴

چکیده

شادی موهبت بزرگی است که باید آن را جست‌وجو کرد، یافت، غنیمت شمرد، و به دیگران نیز انتقال داد. با توجه به تأثیر شادمانی در حیات فردی و اجتماعی، همچنین نقش گسترده مذهب در زندگی بشر، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه دینداری و میزان شادمانی بین جوانان شهر تهران انجام شده است. در این پژوهش نقش دینداری بر ایجاد، تشدید، یا تضعیف شادی از دریچه نظریه شناختی، همچنین نظریه‌های اندیشمندانی چون دورکیم، وبر، توکویل، سیلگمن، آرگایل، کار، داینر، و بیسواس داینر کنکاش شد. برای شناخت ارتباط بین این دو مقوله، ۳۸۴ پرسشنامه بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران توزیع شد. در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین دینداری و میزان شادی افراد رابطه‌ای مثبت و معنادار برقرار است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که بین سه بعد دینداری، یعنی اعتقادات دینی و احساسات دینی و مناسک دینی، و شادی جوانان مطالعه‌شده همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت دینداری و ابعاد مختلف آن در ایجاد و تشدید شادی نقشی مهم و بسزا دارد.

واژه‌های کلیدی: باورها و احساسات دینی، جوانان، دینداری، شادمانی، مناسک مذهبی.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)، sh.mehdizadeh@alzahra.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا

مقدمه

در تقسیم‌بندی اوقات و نظم روزانه‌ای که پیشوایان معصوم^(ع) توصیه کرده‌اند مسرت و شادی جایگاهی ویژه دارد. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد. ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان واقف می‌کنند و در باطن به شما خلوص و صفا دارند، و ساعتی را هم به تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید. و از مسرت و شادی ساعات تفریح نیروی انجام وظایف و وقت‌های دیگر را تأمین کنید.» (حرانی، ۱۴۰۴، به نقل از زینی ملک‌آباد و نیل‌ساز، ۱۳۹۰: ۵۲). این روایت به صراحت تبیین می‌کند که شادی لازمه پیشرفت و موفقیت در سایر عرصه‌های زندگی است (زینی ملک‌آباد و نیل‌ساز، ۱۳۹۰: ۵۳). بنابراین، شادی موهبتی بزرگ است که باید آن را جست‌وجو کرد، یافت، غنیمت شمرد و به دیگران انتقال داد (آرگایل، ۱۳۸۶: ۱۱). اگرچه جست‌وجوی شادکامی خاص زمان حاضر نیست و فیلسوفان یونانی و رومی و حتی ارسطو به دلایل شادکامی اهمیت داده‌اند، با ظهور مدرنیته و با افزایش منابع استرس‌زا و تعدد نقش افراد، جست‌وجوی شادی در همه جوامع و فرهنگ‌ها سرعت بسیار یافته است (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹-۴۰).

طی چهل سال گذشته روان‌شناسان پژوهش‌های متعددی برای تعریف شادی^۱ و دلایل و پیامدهای آن انجام داده‌اند. اجماع کلی تحقیقات صورت‌گرفته این است که شادی پدیده‌ای درونی است همراه احساسات درونی، افکار، ادراکات، و ارزیابی موفقیت؛ که بسیار مهم‌تر از خود موفقیت است (زارعی‌متین و همکاران، ۱۳۹۰: ۴). یافتن این حالت ذهنی به ما اجازه می‌دهد سرزنده‌تر و بی‌تکلف‌تر باشیم. در این حالت زندگی آسان‌تر و مشکلات کمتر می‌شود؛ زیرا هنگامی که انسان احساس بهتری پیدا می‌کند راحت‌تر به خرد و عقل سلیم خود دست می‌یابد و تصمیمات بهتری می‌گیرد (کارلسون، ۱۳۷۷: ۱-۲).

اهمیت شادی در سلامت اجتماعی و فردی این سؤال مهم را مطرح کرده است که عوامل مؤثر بر شادی کدام‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش مطالعات نظری و تجربی فراوانی در سراسر دنیا صورت گرفته است. نتایج حاکی از آن است که عوامل مختلفی بر میزان شادی تأثیر می‌گذارند که یکی از آن‌ها مذهب است. مذهب مجموعه‌ای است از اعتقادات و باایدها و نیایدها

و ارزش‌های اختصاصی و تعمیم‌یافته و تکیه‌گاه روانی مؤثری به شمار می‌رود که قادر است به زندگی و لحظه‌های عمر معنا دهد و در شرایط خاص نیز، با فراهم‌سازی تکیه‌گاه‌های تبیینی، فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات دهد. مذهب بسیاری از نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کند و خلأهای اخلاقی، عاطفی، و معنوی او را پرمی‌کند. به او امید و قدرت می‌دهد و پایگاه بسیار محکمی برای انسان در برابر مشکلات و مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (صدیقی ارفعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۳۸). فروید در خصوص نقش جریان‌کننده دین در دنیای متمدن امروز می‌گوید: «اکنون وظیفه خدایان این می‌شود که کاستی‌ها و زیان‌های تمدن را ترمیم کنند. باید به رنج‌هایی بپردازند که انسان‌ها در زندگی اجتماعی و در مراقبت از اجرای احکام سرپیچی‌ناپذیر تمدن برای هم به بار می‌آورند.» گیتس بر این باور است که دین می‌کوشد تجربه‌های بشر در زمینه نابرابری و بی‌عدالتی را توجیه کند. شیوه بسیار رایج در توجیه این واقعیت‌ها این ادعاست که بی‌عدالتی‌ها در این جهان با دادگری در جهان دیگر جبران خواهند شد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۰۲-۲۷۷). علاوه بر این، اندکی درنگ در تعالیم، آداب، اعمال، و آموزه‌های ادیان این نکته را روشن می‌سازد که در همه ادیان دستورها و سفارش‌هایی برای شادی و نشاط بشر در زندگی مادی بیان شده است. گرچه در ادیان یا مکتب‌ها مصداق‌های شادی با هم تفاوت‌های اندک یا بسیار دارند، هیچ‌یک در این نکته تردید نداشته‌اند که شادی لازمه زندگی و محرک انسان در دستیابی به هدف‌های دینی و غیردینی و عاملی برای ارتقای مادی و معنوی اوست. «دین اسلام، که به همه شئون حیاتی انسان ژرف نگرسته و متناسب با نیازهای واقعی و تعالی هر چه بیشتر او برنامه‌هایی ارائه کرده است، شادی و نشاط و عوامل نشاط‌انگیز را، که لازمه یک زندگی موفق است، به انسان معرفی و توصیه می‌کند. در دستورهای آسمانی اسلام نکته‌های ارزشمندی در خصوص ایجاد شادی و نشاط آمده است. این سفارش‌ها همه برای ایجاد فضای شادی و راندن غم و اندوه و در نتیجه تجدید قوا برای ادامه حرکت تکاملی انسان است» (خیبازی، ۱۳۹۰).

بنابراین، با توجه به نقش گسترده مذهب در زندگی بشر، همچنین تأثیر شادمانی در زندگی فردی و اجتماعی، بررسی رابطه این دو مقوله مهم به نظر می‌رسد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه دینداری و میزان شادمانی است و در پی پاسخ‌دادن به این سؤال است که جوانان شهر تهران چقدر شادند و دینداری چه رابطه‌ای با میزان شادمانی جوانان شهر تهران دارد؟

پیشینه پژوهش

مطالعات مزایای اندک ولی مهم مذهب و رابطه آن با شادی را نشان داده‌اند. تحقیقات گویای آن است که کسانی که به کلیسا می‌روند از دیگران سالم‌ترند، با احتمال بیشتری دیگران را می‌بخشند، و در برخی شرایط حتی شکیباتر از هم‌تایان غیر مذهبی خود هستند (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

شارما^۱ و مالهورترا^۲ در سال ۲۰۱۰ تحقیقی با نام «عوامل روانی اجتماعی شادی در نوجوانان» انجام دادند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که متغیرهای روانی و اجتماعی، مثل مذهب و حمایت اجتماعی، ارتباطی مثبت و قابل توجه با شادی دارند.

پژوهشی با تلاش اسنوپ^۳ با نام «دینداری و شادی در بین سه ملت امریکا، هلند، و دانمارک» در سال ۲۰۰۸ انجام شد. در این پژوهش مشخص شد رابطه‌ای نه‌چندان قوی بین دینداری و شادی وجود دارد که البته این میزان در هلند و دانمارک بسیار ضعیف است و در امریکا وضعیت بهتری دارد.

عبدالخالق^۴ در سال ۲۰۰۶ مطالعه‌ای با نام «شادی، سلامتی، و دینداری: روابط مهم» انجام دادند. هدف این مطالعه بررسی رابطه شادی، سلامت جسمی، سلامت روانی، و دینداری با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی است. داده‌های این پژوهش شواهد قوی مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین دینداری و شادی میان نمونه بزرگی از دانشجویان مسلمان کویتی ارائه می‌دهد (عبدالخالق، ۲۰۰۶).

در سال ۲۰۰۳ فرانسیس^۵ و همکاران او پژوهشی با نام «رابطه بین دین و شادی در میان دانشجویان آلمانی» انجام دادند. داده‌های این مطالعه هیچ مدرکی مبنی بر ارتباط مذهب و شادی میان دانشجویان آلمانی فراهم نکرد. یافته‌های پژوهش یادشده متناقض و خلاف یافته‌های پژوهش فرانسیس و لستر^۶ (۱۹۹۷) و فرانس^۷ و جوزف^۸ (۱۹۹۹) است. گفتنی است همه این

1. Sharma
2. Malhotra
3. Snoep
4. Abdel-Khalek
5. Francis
6. Lester
7. French
8. Joseph

مطالعات با استفاده از شاخص شادی و دینداری میان دانشجویان مقطع کارشناسی در ولز و ایالات متحده آمریکا و انگلستان انجام گرفته است (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۳).

فاطمه خوشاوی (۱۳۹۰) در تحقیقی با نام «رابطه هویت دینی با شامادنی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان نجف‌آباد» دریافت بین مؤلفه‌های هویت دینی (اعتقادات دینی، عواطف و احساسات دینی، رفتارهای دینی) با شامادنی رابطه‌ای معنادار وجود دارد (خوشاوی، ۱۳۹۰).

پژوهشی با نام «دینداری و تجربه شادی» نیز با تلاش نفیسه کوهستانی‌نژاد (۱۳۸۹) صورت گرفت. نتیجه مهم این تحقیق این بود که، با در نظر گرفتن ابعاد مختلف شناختی و عاطفی برای شادی، دین و شادی رابطه‌ای مثبت با هم دارند (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۹).

احمد عابدی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با نام «رابطه ابعاد دینداری با شادی دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر اصفهان، اذعان کردند دینداری و ابعاد مختلف آن در تبیین سلامت روان و شادی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه نقشی بسزا دارد.

«فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان» نام مقاله‌ای است که رسول ربانی و همکاران او در سال ۱۳۸۶ انجام دادند. بر اساس آمارهای موجود در این مقاله، دینداری یکی از مشخصه‌های فرهنگی در شهر اصفهان است که با احساس شادی سرپرستان خانوار رابطه‌ای معنادار و مستقیم دارد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶).

همان‌طور که ملاحظه شد، در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی درباره مذهب و نقش آن در شادی صورت گرفته است. برخی از این پژوهش‌ها، از قبیل اسنوپ (۲۰۰۸) و عبدالخالق (۲۰۰۶) و عابدی و همکاران (۱۳۸۷)، نشان می‌دهند رابطه‌ای مثبت و معنادار بین این دو متغیر وجود دارد. این در حالی است که مطالعات پژوهشگرانی چون فرانسیس و همکاران (۲۰۰۳) هیچ مدرکی مبنی بر ارتباط بین مذهب و شادی فراهم نکرد. پژوهش حاضر در نظر دارد برای تکمیل نتایج پژوهش‌های پیشین و البته شناخت غنی‌تر و دقیق‌تر این موضوع نقش دینداری را بر ایجاد، تشدید، یا تضعیف شادی در جامعه آماری مورد نظر بررسی کند. از آنجا که در تحقیقات تجربی پیشین به ندرت به رابطه مذهب و شادی میان جوانان شهر تهران توجه شده است، پژوهش حاضر سعی دارد رابطه دینداری و شامادنی را بین افراد ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران کنکاش کند.

متون نظری

شادی

ریو^۱ بر این باور است که شادی احساسی مثبت است که زندگی را شیرین می‌کند (ریو، ۱۳۸۳: ۳۶۴). در واقع، شاد کسی است که به طور مکرر احساسات مثبت، مانند شادی و علاقه و افتخار را تجربه می‌کند و غم و اضطراب و خشم را به ندرت احساس می‌کند (لیوبومیرسکی و همکاران، ۲۰۰۵: ۸۱۶). لازاروس و فولکمن^۲ شادی را احساسی می‌دانند که حاصل پیشرفت معقول در جهت رسیدن به هدف باشد. بنابراین، در دیدگاه شناختی شادی مأخوذ از هدف است (حسینیان و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۳۲). از نظر وینهون^۳ (۱۹۹۱: ۲)، شادی قضاوت فرد است از میزان مطلوبیت کیفیت کل زندگی‌اش. از نظر کارلسون^۴ (۱۳۷۷: ۱)، شادمانی چیزی است که همه ما می‌خواهیم ولی تعداد کمی به آن دست می‌یابیم. علامت مشخصه آن احساس قدردانی، آرامش درونی، رضایت، و علاقه به خودمان و دیگران است.

دینداری

دینی بودن^۵ عنوانی عام است که به هر فرد یا پدیده‌ای اطلاق می‌شود که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد. فرد دیندار از یک سو خود را ملزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر همین تقید و اهتمام به آموزه‌ها و دستورهای دینی او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶). کارل دوبلر^۶ در سال ۱۹۸۱ در زمینه دین این تعریف را پیشنهاد می‌کند: «نظام متحد اعتقادات و آداب، که به یک حقیقت مافوق تجربی و متعالی مرتبط می‌شود و تمام معتقدان و پیروان خویش را در جهت تشکیل یک جامعه اخلاقی وحدت می‌بخشد.» (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۷۲). در اندیشه ویلیام جیمز مذهب عبارت است از اعتقاد به اینکه نظامی نامرئی میان پدیده‌های این جهان هست و بهترین کار برای ما این است که خود را با این نظم هماهنگ کنیم (جیمز، ۱۳۴۳: ۳۱). اسپیکلا^۷ و همکاران او در زمینه مذهب،

1. Reene
 2. Lazarus & Folkman
 3. Veenhoven
 4. Carlsson
 5. religiousness
 6. Karel. Dobbelaere
 7. B. Spikla

به مثابه نظامی مرجع برای تفسیر وقایع زندگی، بحث می‌کنند (صدیقی ارفعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

چارچوب نظری

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استفاده از دیدگاه اندیشمندان، همچنین رویکردهای مختلف، از جمله نظریه شناختی، رابطه دینداری و شاماندنی را بررسی کند. اندیشه اصلی در رویکرد شناختی به روان‌شناسی اجتماعی آن است که رفتار شخص به شیوه درک او از موقعیت‌های اجتماعی بستگی دارد (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۹). نظریه شناختی بر این باور است که شادی محصول تفکر انسان است و منعکس‌کننده اختلاف بین برداشت از زندگی و تصور درباره اینکه زندگی چگونه باید باشد. اصول اساسی این نظریه این است که شادی مبتنی بر مقایسه با توجه به معیارها و استانداردهاست. مطالعات نشان می‌دهد هر چه فاصله بین استاندارد (معیار) و واقعیت کمتر باشد سطح بالاتری از شادی حاصل می‌شود. میچالوز^۱ (۱۹۸۵) بر آن است که این رابطه ثابت می‌کند شادی به روند تفسیر مقایسه‌ها بستگی دارد و این مقایسه‌ها و به طور خاص ارزیابی اندازه شکاف‌ها تعیین‌کننده شادی است (وینهوون، ۲۰۰۶: ۱۲-۱۳). به بیان دیگر، این دیدگاه بر سودمندی تفکرات و شناخت‌هایی تأکید دارد که باعث هدایت هیجان و خلق و خوی فرد می‌شود. در نظریه‌های شناختی، شادکامی ارزشیابی افراد از خود و زندگی‌شان است و افراد شادکام رویدادهای بیشتری را، که از نظر فرهنگی مطلوب است، تجربه می‌کنند و رویدادهای خنثی را مثبت و رویدادهای مثبت را مثبت‌تر می‌بینند. در واقع، مردم قادرند از طریق کنترل افکارشان بهزیستی ذهنی و شادکامی خود را افزایش دهند؛ مثلاً این عقیده که در جهان نیرو و مقصدی والا وجود دارد می‌تواند به خوشبختی و شادکامی افراد بیفزاید (دهقانی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۷۳). گفتنی است جیمز و پرات^۲ دین را شناخت و عاطفه و رفتاری تعریف می‌کنند که از آگاهی یا تعامل ادراک‌شده با هستی ماوراءالطبیعه سرچشمه می‌گیرد و فرض می‌شود نقشی مهم در زندگی انسان بازی می‌کند (قمری، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۸). به نظر پارگامنت^۳، مذهب نقشی مهم در رویارویی با استرس‌های زندگی دارد و می‌تواند اثر بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند. از نظر وی، افراد مذهبی هنگام ارزشیابی نوع اول- یعنی آیا این رویداد به صورت بالقوه خطرناک

1. Michalos
2. James & Pratt
3. Pargament

است؟- و ارزشیابی نوع دوم- یعنی آیا من می‌توانم با این رویداد مقابله کنم؟- برای مقابله با فشار روانی به‌خوبی از مذهب استفاده می‌کند؛ زیرا واکنش آن‌ها به فشار روانی از عواملی همچون حمایت اجتماعی، سخت‌کوشی شخصی، سبک مشکل‌گشایی، و مانند آن تأثیر می‌پذیرد. این موضوع در افراد مذهبی و متدین موجب کاهش فشار روانی می‌شود. پس مهم‌ترین تأثیر مذهب برای مقابله با فشار روانی به دلیل نقش آن در فرایند ارزشیابی فشار روانی است (صدیقی ارفعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۹). الیسون و همکاران او (۱۹۸۹) دریافتند باورها مهم‌ترین منبع شادی‌اند. هم حضور در کلیسا و هم رابطه با خداوند، از طریق تأثیر بر باورها، نفوذ خود را ظاهر می‌سازند. همچنین، تیلور و براون^۱ (۱۹۸۸) بر این باورند که اعتقادات می‌توانند به وقایع معنا دهند (آرگایل، ۱۳۸۶: ۲۶۱-۲۶۲). بر اساس نظریه شناختی می‌توان نتیجه گرفت دینداری، به‌یژه باورها و اعتقادات مذهبی، از طریق تأثیری که بر نحوه درک و شناخت انسان می‌گذارد، بر شادی انسان مؤثر است.

یواخیم واخ^۲ بر این باور است که نگرش به جهان، که با خصوصیت تجربه دینی تعیین و برانگیخته می‌شود، در ارزیابی انسان از جنبه‌های اصلی زندگی انسانی و در صور فعالیت او تأثیر می‌گذارد. ماکس وبر^۳، با چشم‌اندازی سنخ‌شناسانه، طرح مختصر و روشنی در این میان به دست داده است که آن را می‌توان توسعه داد. اگر میان ارزشیابی‌های کهن ادیان یونانی و بودایی و هندویی از طبیعت مقایسه‌ای به عمل آید، معلوم می‌شود چه واکنش‌های متفاوتی در برابر جهان وجود دارد. نگرش فرد به جامعه در همه سطوح و صور آن و تأثیر دین در روابط اجتماعی و نهادهای آن تا حد زیادی به نیرویی بستگی دارد که در تار و پود تعالیم و مناسک و تشکیلات دینی موجود است (واخ، ۱۳۸۷: ۴۸-۵۰). بنا بر باور وبر، در بسیاری از سنت‌های مذهبی آن‌هایی که از شوربختی رنج می‌برند تصور می‌کنند خشم خدایان کيفرشان داده است یا شیاطین آن‌ها را تسخیر کرده‌اند؛ زیرا گناهی مرتکب شده‌اند که آسیب‌پذیرشان ساخته است. دین، با این توجیه از رنج، یکی از نیازهای ژرف و عام بشر را برآورده می‌سازد. از نظر وبر، دین اساساً انسان‌ها را به کنارآمدن با سختی‌ها قادر می‌سازد و در برابر مشکلات به آن‌ها اعتمادبه‌نفس می‌بخشد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۴۰-۲۴۱). سلیگمن^۴ می‌گوید مادران مذهبی دارای فرزند معلول

1. Taylor & Brown
2. Joachim.Wach
3. Max. Weber
4. Seligman

بهرتر با افسردگی مقابله می‌کنند و افراد مذهبی بهتر با طلاق، بی‌کاری، بیماری، و مرگ کنار می‌آیند (سلیگمن، ۱۳۸۹: ۸۲). در اندیشه دورکیم دین قدرت و نیرویی است که به انسان اجازه رفتار و عمل می‌دهد: «شخص درست‌کرداری که با خدای خود رابطه دارد نه تنها انسانی است که حقایق تازه‌ای را، که فرد بی‌ایمان از وجود آن‌ها بی‌خبر است، می‌بیند، بلکه همچنین فردی است که از توانایی عملی بیشتری برخوردار است. وی قدرت بیشتری را برای تحمل بار سختی‌ها و نیز فایده‌آمدن بر آن‌ها در خود احساس می‌کند. وی همانند کسی است که فراتر از سطح گرفتاری‌ها و بدبختی‌های انسانی قرار دارد؛ چرا که خود را به سطحی متعالی‌تر از شرایط و بدبختی‌های انسانی خویش ارتقا بخشیده است. او بر این عقیده است که از درد و رنج و اندوه و بدبختی، به هر شکل و صورتی که تصور شود، نجات پیدا کرده است. بند اول هر کیش و آیینی اعتقاد به نجات افراد از طریق ایمان است.» (دورکیم، ۱۹۱۲ به نقل از ویلم، ۱۳۷۷: ۲۵). در اندیشه مالینوفسکی^۱، دین هم اعتقاد به مشیت الهی و هم اعتقاد به جاودانگی را دربرمی‌گیرد. اعتقاد به مشیت الهی شامل اعتقاد به وجود قدرت‌هایی است که دلسوز انسان‌هاست و می‌تواند آن‌ها را در زندگی یاری کند. این باورها ظرفیت واقعی انسان‌ها را هنگام کنش مؤثر در برابر مشکلات بالا می‌برد. اعتقاد به جاودانگی نیز برای استواری ذهنی انسان‌ها و ابقای ثبات اجتماعی گریزناپذیر است. به استدلال مالینوفسکی، وقتی مرگی پیش می‌آید هراس‌ها و عواطف نیرومندی در نزدیکان شخص مرده پدید می‌آید. سوگواران گرایش دارند خود را تسلیم نومیدی کنند. مناسب خاک‌سپاری کارش این است که این عواطف مخرب را به مسیرهای سازنده و نه فروپاشنده سوق دهد. این مناسب اضطراب‌های ناشی از رخداد مرگ را کاهش می‌دهد و تعادل را کم‌وبیش برمی‌گرداند. مناسب خاک‌سپاری بخشی از این کار را از طریق بازتأیید و تقویت اعتقاد به جاودانگی روح انجام می‌دهد و از این طریق به سوگواران اطمینان می‌دهد محکوم به نابودی نیستند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۸۶-۸۷). آرگایل^۲ نیز، ضمن اشاره به تأثیر مذهب بر شادی، بر آن است که مذهب پدیده‌ای اجتماعی است (آرگایل، ۱۳۸۶: ۲۵۹-۲۶۰). نقش اجتماعی دین اساساً در مجتمع کردن آن است. دین، چنان‌که از معنای آن برمی‌آید، پیوستگی‌های اعضای جوامع و الزام‌های اجتماعی را، که به وحدت آنان کمک می‌کند، می‌افزاید. ارزش‌هایی که زیرساخت سیستم‌های الزام اجتماعی‌اند بین گروه‌های دینی مشترک‌اند؛ بنابراین دین توافق

1. Malinowski

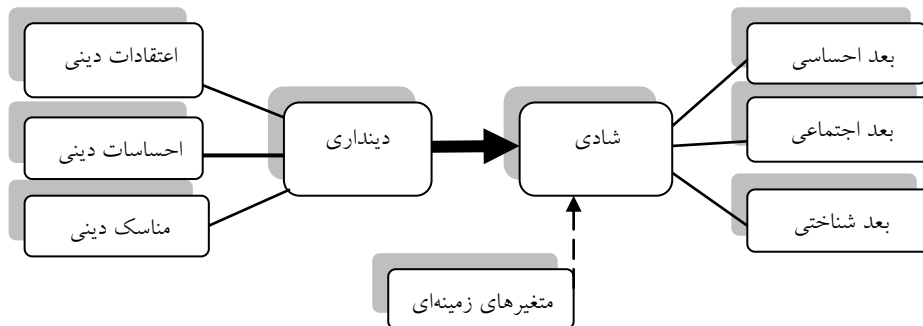
2. Argyle

گسترده‌ای را در سطح جامعه تضمین می‌کند (جلالی‌مقدم، ۱۳۸۶: ۴۳). در تأیید مباحث فوق، توکویل^۱ بر این باور است که نفع مشترک انسان‌ها در به‌وجودآوردن عقایدی قطعی و محکم درباره‌ی خدا، روح و روان خویش، و وظایف کلی در برابر خالق و هم‌نوعان است. چون هر گونه شک و تردید درباره‌ی این نکات اولیه همه‌ی افعال ایشان را در گرو پیشامد و تصادف قرار می‌دهد و آن‌ها را به هرج‌ومرج و ناتوانی می‌کشاند (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۷). الیسون و جورج^۲ نشان دادند میانگین بالای مذهبی، از جمله نماز مکرر و احساس نزدیکی به خدا، قوی‌ترین عامل در رضایت از زندگی، به مثابه‌ی یکی از مؤلفه‌های شادی، است (شارما و مالهوترا، ۲۰۱۰: ۶۵۴). البته الیس^۳ (۱۹۶۲) می‌گوید بیش از حد مذهبی‌بودن می‌تواند منجر به افسردگی و سایر اختلالات روانی در بعضی افراد شود (اسنوپ، ۲۰۰۸: ۲۰۸). مطالعات نشان می‌دهد دینداری ممکن است شادی را بالا ببرد؛ از طریق:

الف) ادغام و حمایت اجتماعی. مکان‌های عبادت فرصت‌هایی را برای تعامل‌های اجتماعی بین افرادی که ارزش‌های مشترک دارند فراهم می‌کند؛ بنابراین اعضای جوامع مذهبی ممکن است از حمایت شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی بزرگ‌تر و قابل‌اعتمادتر برخوردار باشند.

ب) ارتباط شخصی با خدا. به نظر پولنر مردم ممکن است روابط الهی خود را برای رسیدن به آرامش گسترش دهند. این ارتباط می‌تواند باعث شود بحران‌های بزرگ از طریق مشارکت شخصی با منبعی قدرتمندتر کنترل و مدیریت شود (اسوینید، ۲۰۰۱: ۱۸-۱۹). علاوه بر این، پرداختن به مذهب اغلب با سبک زندگی جسمانی و روانی سالم‌تر همراه است که مشخصه‌ی آن عبارت است از وفاداری زناشویی، رفتار نوع‌دوستانه و اجتماع‌خواه، اعتدال در تغذیه، عدم مصرف مشروبات و پای‌بندی به کار سخت. همه‌ی این‌ها شادی را افزایش می‌دهد (کار، ۱۳۸۵: ۷۰). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دین عاملی کلیدی در تعیین ارزش‌ها و به تبع آن سطح شادی یک کشور است (موکرجی و برون، ۲۰۰۵: ۶۷۶).

1. Tocqueville
2. Ellison and George
3. Ellis



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

- بین دینداری و شادی جوانان شهر تهران رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی

- بین اعتقادات دینی و شادی جوانان رابطه وجود دارد.
- بین احساسات دینی و شادی جوانان رابطه وجود دارد.
- بین انجام دادن مناسک دینی و شادی جوانان رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای و شادی جوانان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایشی^۱ انجام شد. در بیان اهمیت روش پیمایشی، بیکر می‌گوید ضمن اینکه پیمایش عام‌ترین روش تحقیق در علوم اجتماعی است، پیمایش‌ها داده‌های مفیدی برای دامنه بزرگی از موضوعات تحقیقی پدید می‌آورند و از قابلیت انواع گسترده‌ای از تحلیل‌ها برخوردارند (بیکر، ۱۳۸۶: ۲۳۴). جامعه آماری پژوهش حاضر جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران‌اند. حجم این جامعه آماری بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۹ حدود ۲۳۷۱۳۴۲ نفر است. بنابراین، حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران با

ضریب اطمینان ۹۵ درصد، احتمال وجود صفت معین در نمونه $P=0/5$ ، و دقت برآورد $d=0/05$ برابر با ۳۸۴ جوان تعیین شد. پس از تعیین حجم نمونه افراد مورد بررسی، روش خوشه‌ای برای توزیع پرسشنامه‌ها انتخاب شد. از آنجا که مسئله و فرضیه‌های مورد توجه در پژوهش حاضر در حیطه بررسی رابطه دینداری و میزان شادمانی جوانان شهر تهران است، واحد تحلیل فرد است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

شادی

شادی اغلب تلفیقی از رضایت، خشنودی، آرامش ذهنی، عاطفه، و احساس مثبت درباره زندگی تعریف می‌شود؛ طوری که در قالب این ترکیب همواره زندگی به سوی بهتر شدن پیش می‌رود (اوت، ۲۰۰۵: ۳۴۱).

داینر و ساه^۱ پس از مطالعات متعدد و بررسی تحلیل‌های ویلسون^۲، در سال ۱۹۶۷، برای شادی سه بُعد اساسی قائل شدند:

(الف) بعد عاطفی (هیجانی)، که شامل خلق و خواهی مثبت و خوشایند است.

(ب) بعد شناختی، که دربرگیرنده تفکر و پردازش اطلاعات است و به ارزیابی مثبت افراد در زندگی منجر می‌شود.

(ج) بعد اجتماعی، که بیانگر گسترش روابط اجتماعی فرد با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت اجتماعی است. به عبارت دیگر این بُعد شادی شامل گرایش‌ها و تمایلات فرد به اجتماع است؛ مانند علاقه به انسان‌های دیگر، تأثیرگذاری مثبت بر آن‌ها، و جزآن که یکی از ابعاد بسیار مهم است (گنجی، ۱۳۸۷: ۶۲). در مجموع در پژوهش حاضر، با توجه به تعریف اوت و داینر و ساه، شادی در سه بعد احساسی و اجتماعی و شناختی سنجیده می‌شود.

دینداری

دین عبارت است از دستگاهی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی؛ یعنی مجزا از امور ناسوتی. این باورها و اعمال همه کسانی را که پیرو آن‌ها هستند در اجتماعی اخلاقی به نام کلیسا (امت) متحد می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۶۳). مفهوم دینداری در مطالعات تجربی دین یکی

1. Suh
2. Wilson

از مفاهیم و متغیرهای چالش‌برانگیز است. با این حال تعریف عملیاتی مورد نظر گلاک و استارک بیش از همه مورد توجه و قبول پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. گلاک و استارک دینداری را مفهومی می‌دانند شامل پنج بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی، دانش دینی، و پیامدی (توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

بعد اعتقادی^۱ باورهایی را دربرمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند.

بعد مناسکی^۲ یا عمل دینی اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه‌گرفتن، و جزآن را دربرمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به‌جا آورند.

بعد تجربی^۳ یا عواطف دینی در تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا ظاهر می‌شود که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است.

بعد فکری^۴ یا دانش دینی شامل اطلاعات و دانش اساسی درباره اصول عقاید دینی و کتب مقدس است، که انتظار می‌رود پیروان آن‌ها را بدانند.

بعد پیامدی^۵ یا آثار دینی پیامدهای باور، عمل، تجربه، و دانش دینی را در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با دیگران دربرمی‌گیرد (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷: ۴۳).

در پژوهش حاضر دینداری با توجه به مدل سنجش دینداری گلاک و استارک سنجیده می‌شود. البته، با توجه به نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی مرتبط با موضوع، به سنجش سه بعد اعتقادی و عواطف و مناسکی اکتفا شد. گفتنی است با توجه به جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت سازه‌های متعدد پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ از روایی قابل قبولی برخوردارند.

-
1. religious belief
 2. religious practice
 3. religious feeling
 4. religious knowledge
 5. religious effects

جدول ۱. میزان روایی مفاهیم اصلی تحقیق بر اساس آزمون آلفای کرونباخ

میزان روایی	تعداد گویه	مفاهیم
۰٫۹۱	۲۲	مفهوم شادی
۰٫۸۳	۱۱	بعد احساسی
۰٫۶۶	۶	بعد اجتماعی
۰٫۸۷	۵	بعد شناختی
۰٫۹۲	۱۱	مفهوم دینداری
۰٫۸۰	۴	بعد اعتقادی
۰٫۹۰	۴	بعد عواطف دینی
۰٫۹۲	۳	بعد مناسک دینی

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های فردی و خانوادگی پاسخگویان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از مجموع ۳۸۴ پاسخگوی مورد مطالعه ۲۰۹ نفر (۵۴/۴٪) زن و ۱۶۷ نفر (۴۳/۵٪) مردند. سن پاسخگویان از ۱۸ تا ۲۹ سال و میانگین سنی آن‌ها تقریباً ۲۳ سال است. وضعیت تأهل جوانان پاسخگو حاکی از آن است که مجردها با ۷۹/۷ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می‌دهند.

درخصوص سطح تحصیلات جوانان پاسخگو باید به این نکته اشاره کرد که بیشترین درصد فراوانی (۵۲/۱) دارندگان مدرک دیپلم و کمترین درصد فراوانی (۰/۳) دارندگان مدرک ابتدایی و پایین‌ترین‌ها با توجه به اظهارات پاسخگویان درباره میزان درآمد و هزینه‌های ماهیانه خانواده‌شان می‌توان گفت میانگین درآمد ماهیانه خانواده آن‌ها برابر با ۱/۶۵۰/۰۰۰ تومان و میانگین هزینه‌های خانواده معادل ۱/۴۶۰/۰۰۰ تومان است.

یافته‌های توصیفی

داینر و بیسواس داینر^۱ می‌گویند شادی عنوانی است که به تفکر و احساس مثبت فرد در زندگی می‌دهیم. آن‌ها بر این باورند که روابط بخشی از شادی است که بدون آن نمی‌توان واقعاً احساس خوشحالی را تجربه کرد (داینر و بیسواس داینر، ۱۳۹۱: ۱۳، ۷۳، ۳۰۱).

جدول ۲. توصیف ابعاد و مفهوم شادی (متغیر وابسته)

ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	دامنه	حداقل	حداکثر
بعد احساسی	۵۸,۳۳	۱۹,۰۷	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
بعد اجتماعی	۶۵,۰۲	۱۷,۴۸	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
بعد شناختی	۶۰,۵۷	۱۹,۲۹	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
مفهوم شادی	۵۹,۷۹	۱۷,۳۸	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰

مقایسه میانگین‌ها در جدول ۲ نشان‌دهنده این واقعیت است که بعد اجتماعی شادی با میانگینی برابر ۶۵,۰۲ بالاترین میانگین و بعد احساسی با میانگین ۵۸,۳۳ کمترین میانگین را بین ابعاد شادی دارد. به عبارت دیگر، بیشترین شادی جوانان پاسخگو از طریق پیوندهای اجتماعی و علاقه به انسان‌های دیگر و خوش‌رو و خندان بودن در برخورد با دیگران و کمترین شادی از طریق احساسات مثبتی از قبیل احساس لذت، امید، خوشحالی، دلگرم‌بودن به زندگی، و جزآن است. به طور کلی، می‌توان گفت میانگین شادی بین جمعیت مورد مطالعه کمی بالاتر از حد متوسط (۵۹,۷۹) است.

جدول ۳. توصیف ابعاد و مفهوم دینداری (متغیر مستقل)

ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	دامنه	حداقل	حداکثر
بعد اعتقادی	۷۹,۳۹	۲۲,۸۶	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
بعد احساسی	۸۱,۵۱	۲۱,۶۶	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
بعد مناسکی	۵۹,۰۵	۳۰,۱۶	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
مفهوم دینداری	۷۴,۶۱	۲۰,۶۶	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰

براساس جدول ۳ میانگین دینداری پاسخگویان ۷۴,۶۱ است. این بدین معناست که جوانان بررسی‌شده از نظر اعتقادات و باورهای دینی، احساسات و عواطف دینی، و مناسک و اعمال دینی از میانگینی بالاتر از حد متوسط برخوردارند. البته گفتنی است میانگین احساسات دینی، از قبیل احساس نزدیکی به خدا هنگام عبادت و احساس آرامش در توکل به خدا، در نمونه مطالعه‌شده نسبت به سایر ابعاد دینداری بیشتر است.

یافته‌های تحلیلی

شادی جوانان مطالعه‌شده بر حسب جنس متفاوت نیست؛ به عبارت دیگر اگرچه مردان شادتر از زنانند، سطح معناداری ($Sig: 0/170$) تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. بین سن جوانان و میزان شادی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد شادی افراد بر حسب تأهل آنان متفاوت نیست؛ به این معنی که در پژوهش حاضر بین جوانان مجرد، متأهل، و مطلقه در میزان شادی تفاوت معناداری مشاهده نشد. طبق آزمون همبستگی اسپیرمن، رابطه بین تحصیلات و میزان شادی معنادار نیست. همچنین، بین میزان درآمد و شادی جوانان رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. در خصوص رابطه هزینه ماهیانه خانواده و میزان شادی افراد مورد نظر می‌توان گفت بین هزینه ماهیانه خانواده افراد و شادی آنان رابطه وجود دارد. البته، جهت این رابطه معکوس است؛ بدین معنا که با افزایش میزان هزینه و مخارج خانواده میزان شادی افراد کاهش می‌یابد.

جدول ۴. همبستگی پیرسون بین هزینه‌های ماهیانه خانواده و میزان شادی

مفهوم	همبستگی پیرسون	میزان شادی
	ضریب پیرسون	-۰/۱۲۹
هزینه‌های ماهیانه خانواده	معناداری	۰/۰۴۹
	تعداد	۲۳۵

جدول ۵. همبستگی پیرسون بین ابعاد و مفهوم دینداری و میزان شادی و ابعاد آن

متغیر	آماره	بعد احساسی	بعد اجتماعی	بعد شناختی	شادی
اعتقادات دینی	میزان همبستگی	۰/۱۹۳	۰/۱۴۷	۰/۰۷۹	۰/۱۸۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۱۲۲	۰/۰۰۰
عواطف دینی	میزان همبستگی	۰/۲۴۳	۰/۲۴۵	۰/۱۶۴	۰/۲۷۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
مناسک دینی	میزان همبستگی	۰/۲۱۰	۰/۲۲۵	۰/۱۶۰	۰/۲۴۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
دینداری	میزان همبستگی	۰/۲۵۴	۰/۲۴۲	۰/۱۵۸	۰/۲۷۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰

مهم‌ترین نتایج جدول ۵ را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

هر چه باورها و اعتقادات دینی بیشتر باشد میزان شادمانی جوانان بیشتر است. منطبق با جدول ۵، باورها و اعتقادات مذهبی، از قبیل اعتقاد به وجود خدا و امامت و حقانیت قرآن، با شادی افراد مورد مطالعه ارتباط مثبت دارد. به بیانی دقیق‌تر، با افزایش اعتقادات دینی افراد احساسات خوشایند، از قبیل احساس امیدواری و نشاط و عشق به زندگی، همچنین گرایش‌های مثبت اجتماعی جوانان، از قبیل علاقه به انسان‌های دیگر و خوش‌رو بودن، افزایش می‌یابد و در نهایت به میزان بیشتری شاد خواهند بود.

شدت همبستگی عواطف دینی و میزان شادی ۰/۲۷ و جهت رابطه مستقیم است؛ بدین معنا که افزایش عواطف دینی، از قبیل احساس نزدیکی به خدا موقع عبادت، افزایش میزان شادی پاسخگویان را به همراه دارد. این فرضیه در سطح معناداری ۰/۰۰ پذیرفتنی است. بنابراین، فرض وجود رابطه معنادار میان بعد عواطف دینی و میزان شادی پذیرفته می‌شود. گفتنی است عواطف دینی با بعد اجتماعی شادی، یعنی گرایش‌های مثبت اجتماعی، همبستگی قوی‌تری دارد. به عبارت دیگر با افزایش عواطف و احساسات افراد درباره وجودی همچون خدا تمایلات اجتماعی آن‌ها، همچون انسان‌دوستی و روحیه شوخ‌طبعی، افزایش می‌یابد.

با افزایش انجام‌دادن مناسک دینی، همچون نماز و روزه و شرکت در مراسم مذهبی، میزان شادمانی افراد نیز افزایش می‌یابد. بر اساس جدول ۵ بین انجام‌دادن مناسک و اعمال دینی و میزان شادی جوانان رابطه‌ای مثبت وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد شدت همبستگی انجام‌دادن مناسک دینی با گرایش‌های مثبت اجتماعی از قبیل علاقه به انسان‌های دیگر، خوش‌رو بودن، داشتن روحیه شوخ‌طبعی، اثرگذاری مثبت بر اطرافیان، و علاقه به شرکت در مراسم جمعی در مقایسه با سایر ابعاد شادی، یعنی بعد شناختی (رضایت از زندگی) و بعد احساسی (عواطف مثبت) قوی‌تر است.

سطح معناداری به‌دست‌آمده در رابطه میان دینداری و شادی برابر ۰/۰۰ است. بنابراین فرض وجود رابطه معنادار میان دینداری و شادی جوانان تأیید می‌شود. شدت همبستگی در این رابطه برابر ۰/۲۷ و جهت رابطه مثبت است. بدین معنا که با افزایش دینداری میزان شادمانی نیز افزایش می‌یابد. ذکر این نکته ضروری است که این رابطه در بعد احساسی شادی (عواطف مثبت) قوی‌تر از سایر ابعاد است. به عبارت دیگر احساسات مثبت پاسخگویان در مقایسه با بعد

شناختی (رضایت از زندگی) و بعد اجتماعی (گرایش‌های مثبت اجتماعی) با دینداری ایشان همبستگی قوی‌تری دارد.

مشارکت نسبی ابعاد متغیر مستقل (دینداری) بر شادمانی

به منظور بررسی میزان تأثیر هر یک از ابعاد دینداری بر میزان شادمانی از تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام استفاده گردیده که نتایج در جدول ۶ و ۷ ارائه شده است.

جدول ۶. تحلیل واریانس برای آزمون معناداری شکل رگرسیونی

شکل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۲,۵۵۳	۱	۱۲,۵۵۳	۳۰,۴۲۲	۰,۰۰
باقی مانده	۱۵۵,۹۷۲	۳۷۸	۰,۴۱۳		
کل	۱۶۸,۵۲۵	۳۷۹			

جدول ۷. متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی به روش گام‌به‌گام

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد ^۱	ضرایب استاندارد	سطح معناداری
بعد عواطف دینی	۰,۲۷۳	۰,۰۰	۰,۰۰
ضرب	ضرب	سطح	مقدار
همبستگی	تعیین	مقدار F	مقدار ثابت
چندگانه	اصلاح شده	F	
۰,۲۷۳	۰,۰۷۴	۳۰,۴۲۲	۲,۵۵۲

در این مرحله سهم تأثیرگذاری هر یک از ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته (شادی) بررسی می‌شود. همان‌طور که گفته شد، ابعاد متغیر مستقل در بررسی حاضر عبارت است از بعد اعتقادات دینی، عواطف دینی، و مناسک دینی.

میزان همبستگی متغیر مستقل (عواطف و احساسات دینی) با متغیر شادی برابر ۰,۲۷۳ است. ضریب تعیین این خروجی نیز برابر ۰,۰۷ است. بدین معنا که عواطف دینی به‌تنهایی ۰,۰۷ درصد تغییرات در میزان شادی را تبیین می‌کنند. میزان F رابطه نیز برابر ۳۰,۴۲ و سطح معناداری

۰/۰۰ است. با توجه به ضریب بتا می‌توان گفت میزان اثر مستقیم احساسات دینی بر شادی ۰/۲۷ است. یافته مهم تحقیق، مبنی بر نقش مهم دینداری و به طور ویژه احساسات دینی بر شاماندی افراد، مؤید نظرات اندیشمندان متعددی همچون ویلیام جیمز است. ویلیام جیمز (به نقل از حیدری‌رفعت و عنایتی‌نوبین‌فر، ۱۳۸۹) می‌گوید عشق و نیروی مذهبی به وقار و سنگینی و صبر و شکیبایی و اعتقاد و اطمینان در فرد منجر می‌شود. احساسات مذهبی نیروی روزافزونی در کار و زندگی شخص وارد می‌کند و وقتی دنیا به آدمی پشت می‌کند احساسات مذهبی دست به کار می‌شود و هیجان و شور زندگی را در آدمی زنده نگه می‌دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه دینداری و میزان شاماندی بین جوانان شهر تهران انجام شد. در این پژوهش نقش دینداری بر ایجاد یا تشدید یا تضعیف شادی از دریچه نظریه‌های اندیشمندان و پژوهشگران متعدد کنکاش شد.

میانگین شادی جوانان بررسی‌شده کمی بالاتر از حد متوسط است. گفتنی است در تحقیق وینهوون و کالمیجن (۱۹۹۰) سطح شادی در ایران در حد متوسط است (گنجی، ۱۳۸۷: ۱۶). یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این واقعیت است که دینداری پاسخگویان بالاتر از حد متوسط (۷۴/۶۱) است. همچنین، مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد انجام‌دادن مناسک دینی در مقایسه با سایر ابعاد دینداری میانگین پایین‌تری دارد. تحقیق سراج‌زاده و همکاران او (۱۳۸۳) حاکی از بالابودن دو بعد ذهنی‌تر و درونی‌تر دینداری (ابعاد اعتقادی و تجربی) است. مطالعه دیگری (آهن‌کوب‌نژاد، ۱۳۸۸) بیانگر این نکته است که دینداری جوانان شهر اهواز در ابعاد اعتقادی و عاطفی قوی‌تر، اما در ابعاد پیامدی و مناسکی ضعیف‌تر است و نمره کل دینداری جوانان نیز در حد بالاتر از متوسط و نزدیک به زیاد است. علاوه بر این، پژوهش سفیری و نعمت‌اللهی (۱۳۹۱) نشان‌دهنده هویت دینی نسبتاً بالای افراد مطالعه‌شده، یعنی افراد ۱۸ تا ۳۸ ساله شهر تهران، است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت با وجود ایمان و باور افراد به دین تجلی آن در رفتار و اعمال نمود کمتری می‌یابد.

شادی افراد بر حسب جنس و وضعیت تأهل و سطح تحصیلات تفاوت معناداری ندارد. علاوه بر این هیچ رابطه‌ای بین سن و شادی افراد مورد تحقیق وجود ندارد. یکی از نتایج دیگر این پژوهش این است که رابطه هزینه ماهیانه خانواده و شادی جوانان معنادار است؛ بدین معنا

که با افزایش میزان هزینه و مخارج خانواده میزان شادی افراد جوان کاهش می‌یابد. شاید یکی از دلایل چنین رابطه‌ای این باشد که با افزایش مخارج و هزینه‌های خانواده نگرانی و اضطراب افراد برای تأمین نیازهای خانواده افزایش و شادی کاهش می‌یابد. به‌رغم اینکه برخی تحقیقات تجربی بر رابطه متغیرهای زمینه‌ای و میزان شادی تأکید دارند، پژوهش‌های تجربی متعددی وجود دارد که بیانگر نبود رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و شادی است؛ مثلاً دیوید مایزر در کتاب خود با نام *در جست‌وجوی شادی*، چه کسی شاد است و چرا؟ کلیه مقاله‌های تحقیقی را، که در امریکا و کانادا و کشورهای اروپای غربی و برخی دیگر از کشورها درباره شادی به چاپ رسیده است، به طور جامع بررسی می‌کند. وی به این نتیجه می‌رسد که رابطه‌ای بین ثروت و شادی وجود ندارد و آرامش و شادی را نمی‌توان با پول خرید. وی همچنین نتیجه می‌گیرد که سن، جنسیت، موقعیت اجتماعی، محل زندگی، نژاد، و سطح تحصیلات به شادی انسان کمک مؤثری نمی‌کند (طریقه‌دار، ۱۳۸۳: ۲۸).

بین میزان دینداری و میزان شادی جوانان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد که مؤید فرضیه تحقیق است و در زمینه نظریات دورکیم (به نقل از کوزر، ۱۳۸۵)، سلیگمن (۱۳۸۹)، آلن کار (۱۳۸۵) و نتایج پژوهشی شارما و مالهوترا (۲۰۱۰)، اسنوب (۲۰۰۸)، قمری (۱۳۸۹)، منطری توکلی و عراقی‌پور (۱۳۸۹)، گنجی (۱۳۸۷)، و عابدی و همکاران (۱۳۸۷) مبنی بر رابطه مثبت میان دینداری با شادی است.

با افزایش باورها و اعتقادات دینی شادی افراد افزایش می‌یابد. در این خصوص پولنر (به نقل از اسوینید، ۲۰۰۱) اشاره کرده است که اعتقاد و تعهد به وجود روابط الهی اجازه می‌دهد تا مردم مسئولیت رویدادهای زندگی، به‌خصوص رویدادهای مشکل، را به پیشگاه الهی نسبت دهند. بر اساس نظریه شناختی این عقیده که در جهان نیرو و مقصدی والا وجود دارد می‌تواند به خوشبختی و شادکامی افراد بیفزاید. همچنین دال و اسکوکان^۱ (به نقل از آرگایل، ۱۳۸۶) نشان داده‌اند باورها ممکن است از طریق تأثیر بر ادراک در کنترل و خودغنی‌سازی و خوش‌بینی نفوذ کنند.

هر قدر جوانان احساسات و عواطف دینی بالاتری داشته باشند شادتر خواهند بود. به‌زعم مالینوفسکی (به نقل از همیلتون، ۱۳۷۷) دین در مشکلات به کمک انسان‌ها می‌آید و احساس

آرامش را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. از نظر دورکیم (به نقل از کوزر، ۱۳۸۵) دین با برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و احساس اطمینان به حقانیت ضروری جهان اخلاقی‌ای که خودشان جزئی از آن‌اند با احساس ناکامی آن‌ها مقابله می‌کند. علاوه بر این، داینر و بیسواس داینر (۱۳۹۱) بر این باورند که شاید مهم‌تر از همه این باشد که مذهب می‌تواند حس معنا به شخص بدهد. مذهب افراد را در درک جهان کمک می‌کند و هدف وسیعی به زندگی آن‌ها می‌بخشد. مذهب بیشتر از دیگر فعالیت‌های انسانی می‌تواند مردم را با چیزی بزرگ‌تر از خودشان پیوند دهد. منظری توکلی و عراقی‌پور (۱۳۸۹) دریافتند که دعا و نیایش باعث می‌شود فرد از رذایل اخلاقی، که آفت سلامت روان و اعصاب است، دور باشد و در مواجهه با مشکلات صبر و توان مقاومت خود را از دست ندهد و به خداوند توانا تکیه کند. همه این مسائل تأثیرات زیادی بر جنبه‌های روحی و روانی افراد دارد و باعث کاهش هیجانات منفی، مانند افسردگی و اضطراب، و افزایش هیجانات مثبت، مانند خشنودی و اعتماد به نفس و خودشکوفایی، می‌شود. علاوه بر این، علی‌زاده اقدام (۱۳۹۱) دریافت که امید دانشجویان به آینده از میزان دینداری متأثر می‌شود.

انجام دادن مناسک دینی، همچون نماز و روزه و شرکت در مراسم مذهبی، افزایش شامادنی جوانان را به دنبال دارد. در خصوص رابطه بین شرکت در مناسک دینی و شادی آرگایل (۱۳۸۶) بر این باور است که پیوندهای خیلی نزدیک بین افراد مذهبی شکل می‌گیرند که علت آن شاید این باشد که مراسم و تشریفات مشترک پیونددهنده‌اند. تأثیر مراسم مشترک می‌تواند به دلیل عاملی باشد که ترنر آن را «مرام مشترک اجتماعی» نامید؛ حالتی که او آن را در برخی مراسم در جوامع ابتدایی یافته بود. این حالت ایده‌آل و حالت خلسه‌آمیز عشق، هماهنگی، برابری، و وحدت اجتماعی میان کسانی است که در مراسم شرکت می‌کنند. در واقع مکان‌های عبادت فرصت‌هایی را فراهم می‌کند برای تعاملات اجتماعی بین افرادی که ارزش‌های مشترک دارند. بنابراین اعضای جوامع مذهبی ممکن است از حمایت شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی بزرگ‌تر و قابل‌اعتمادتر برخوردار باشند.

در مجموع می‌توان گفت نتیجه مهم تحقیق حاضر مبنی بر نقش بسیار مهم دینداری در شادی جوانان مؤید نظریه شناختی به شادی و نظرات دورکیم، سلیگمن، پولنر، کار، و بسیاری از

تحقیقات تجربی است. بر این اساس لازم است به منظور افزایش شادمانی سازمان‌های مربوطه برای ترویج دینداری بین جوانان تلاشی همه‌جانبه در پیش گیرند.



منابع

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۶)، روان‌شناسی شادی، ترجمه‌ی فاطمه بهرامی و دیگران، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- آهنگوب‌نژاد، محمد رضا (۱۳۸۸)، مطالعه میزان پایبندی دینی جوانان شهر اهواز، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۳: ۱-۲۴.
- بیکر، ترزال (۱۳۸۶)، نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی
- توسلی، غلام‌عباس و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینداری دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر»، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴: ۹۶-۱۱۸.
- جلالی‌مقدم، مسعود (۱۳۸۶)، درآمدی به جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان بزرگ درباره‌ی دین، تهران، نشر مرکز.
- جیمز، ویلیام (۱۳۴۳)، دین و روان، ترجمه‌ی هادی قائنی، تهران، انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ق)؛ تحف العقول، قم، جامعه مدرسین
- حیدری‌رفعت، ابوذر، عنایتی نوین‌فر، علی (۱۳۸۹)، «رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس»، روان‌شناسی و دین، سال سوم، شماره چهارم، ۶۱-۷۲
- خبازی، مجید (۱۳۹۰)، شادی و رسانه (مبانی، آسیب‌ها و راهکارها)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- خوشاوی، فاطمه (۱۳۹۰)، رابطه‌ی هویت دینی با شامادنی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان نجف‌آباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان، دانشگاه بهشتی.
- داینر، اد و بیسواس داینر، رابرت (۱۳۹۱)، شادی ثروت بیکران روان‌شناختی، ترجمه‌ی حسن عبدالله‌زاده، طاهر محبویی، معصومه باقرزاده، تهران، انتشارات آذرین مهر.
- دهقانی‌نژاد، حمید (۱۳۹۰)، رابطه مشارکت اجتماعی و شادی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- ربانی، رسول؛ ربانی، علی؛ عابدی، محمدرضا و گنجی، محمد (۱۳۸۶)، «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۳: ۴۱-۷۸.

- ریو، جان مارشال (۱۳۸۳)، **انگیزش و هیجان**، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، تهران، موسسه نشر ویرایش.
- زارعی‌متین، حسن، بحیرانی، صدیقه، افتخاری‌غریب‌دوستی، ثریا (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر شخصیت در میان دانشجویان»، **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، شماره ۱: ۲۲-۳.
- زینی ملک‌آباد، هادی و نیل‌ساز، نصرت (۱۳۹۰)، «جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات»، **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، شماره ۱: ۶۸-۵۰.
- سراج زاده، حسین، شریعتی مزینانی، سارا، صابر، سیروس (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، **مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، سال اول، شماره ۴: ۱۰۹-۱۴۲.
- سراج‌زاده، حسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۶)، «مقایسه‌ی تجربی سنجه‌های دینداری: دلالت‌های روش‌شناسانه‌ی کاربرد سه سنجه در یک جمعیت»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، دوره هشتم، شماره ۴: ۳۷-۷۰.
- سفیری، خدیجه و نعمت‌اللهی، زهرا (۱۳۹۱)، «رابطه ابزارهای جهانی شدن و هویت دینی»، **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دوره اول، شماره ۱: ۳۹-۷۰.
- سلیگمن، مارتین (۱۳۸۹)، **شادمانی درونی روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خشنودی پایدار**، ترجمه‌ی مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری، تهران، نشر دانژه.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ششم، شماره ۱: ۶۶-۳۴.
- شیخ‌الاسلامی، راضیه، نجاتی، عصمت و احمدی، ساره (۱۳۹۰)، «پیش‌بینی مؤلفه‌های شادکامی زنان متأهل از طریق عزت نفس و روابط زناشویی»، **زن در فرهنگ و هنر**، شماره ۱: ۳۹-۵۴.
- صدیقی ارفعی، فریبرز؛ تمنایی‌فر، محمدرضا و عابدین آبادی، عاطفه (۱۳۹۱)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی، سبک‌های مقابله و شادکامی در دانشجویان»، **روان‌شناسی دین**، شماره ۳: ۱۳۵-۱۶۳.
- طریقه‌دار، ابوالفضل (۱۳۸۳)، **شرع و شادی (دیدگاه‌های فقهی درباره رقص، دست زدن و شادی)**، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.
- عابدی، احمد، شواخی، علیرضا، تاجی، مریم (۱۳۸۷)، «رابطه بین ابعاد دینداری با شادی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر اصفهان»، **مطالعات اسلام و روانشناسی**، شماره ۲: ۴۵-۵۸.
- عزیززاده اقدم، محمداقبر (۱۳۹۱)، «بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل موثر بر آن»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره ۴: ۱۸۹-۲۰۶.

- قمری، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه‌ی دین‌داری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، شماره ۳: ۷۵-۹۱.
- کار، آلن (۱۳۸۷)، روان‌شناسی مثبت (علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان)، ترجمه‌ی حسن پاشا شریفی، جعفر نجفی زند، تهران، انتشارات سخن.
- کارلسون، ریچارد (۱۳۷۷)، شادمانی پایدار، ترجمه‌ی ارمغان جزایری، تهران، نشر البرز.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۶)، روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران، نشر ارسباران.
- کوزر، لیوئیس (۱۳۷۰)، زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- کوهستانی نژاد، نفیسه (۱۳۸۹)، دینداری و تجربه شادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- گنجی، محمد (۱۳۸۷)، تحلیل عوامل جامعه‌شناختی موثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، پایان‌نامه دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- منظری توکلی، علیرضا و عراقی‌پور، نجمه (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین دینداری و شادکامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸»، فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره ۱۹: ۱۹-۴۵.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- واخ، یوآخیم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه‌ی جمشید آزادگان، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ویلم، ژان پلم (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، نقد و بررسی محمدتقی جعفری، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- Abdel-Khalek Ahmed M(2006), appiness, health, and religiosity: Significant relations , **Mental Health, Religion & Culture** ,No 9: 85-97.
- Ellis, A. (1962). Reason and emotion in psychotherapy New York: **Lyle Stuart**.
- Ellison, C.G, Gay, D, A. & Glass,T.A (1989), “Does religious commitment. contribute to individual life satisfaction? , **Social Forces**, No 68,100-123.
- Francis, L.J., & Lester, D. (1997), Religion, personality and happiness **Journal of Contemporary Religion**, No 12, 81° 86.

- Francis, Leslie J; Ziebertz, Hans-Georg and Alan Lewis, Christopher (2003), The Relationship Between Religion and Happiness Among German Students , **Pastoral Psychology**, No 4: 273-281.
- French, S., & Joseph, S. (1999). "Religiosity and its association with happiness, purpose in life, and self-actualisation" **Mental Health, Religion and Culture**, No2: 117° 120
- Hasnain, N; Ansari, Shadab Ahmad and Samantray, Snigdha (20011), Spirituality and Happiness as Correlates of Well-being in Religious Women , **European Journal of Social Sciences** ,Volume 20, Number 3:431-442
- Lyubomirsky, Sonja ;King, Laura and Diener, Ed(2005), The Benefits of Frequent Positive Affect: Does Happiness Lead to Success? **Psychological Bulletin**, No 6: 803° 855.
- Michalos, A.C. (1985), Multiple Discrepancies Theory (MDT) **Social Indicators Research**, No16: 347-413.
- Mookerjee, Rajen and Beron, Krista (2005), Gender, religion and happiness , **The Journal of Socio-Economics**,No 34 ,674° 685.
- OTT, Jan (2005), "Level and Inequality of Happiness in Nation: Does Greater Happiness of a Greater Number Imply Greater Inequality in Happiness?" **Journal of Happiness Studies**, No 6: 397° 420.
- Sharma, Anita and Malhotra, Dalip (2010) "Social-Psychological Correlates of Happiness in Adolescents" **European Journal of Social Sciences**, No 4: 36-43.
- Snoep, Liesbeth (2008), Religiousness and happiness in three nations: a research note **J Happiness Stud**,No 9:207° 211.
- Swinyad, William and Kan, AH.Keng and Phua HUI-YIN (2001), "Happiness, Materialism , and Religious Experience in the us and Singapore", **Journal of Happiness Studies**,No 2: 13° 32.
- Taylor,S,E,& Brown,Jd,(1988). Illusion and well- being : a social ° psychological perspective on mental health. **psychological Bullein**,103,193-210
- Veenhoven, Ruut (2006), Haw Do We Assess How Happy We Art?Tenets, implications and tenability of three theories Paper presented at **conference on New Directions in the Study of Happiness: United States and International Perspectives** University of Notre Dame, USA, October 22-24.
- Veenhoven, Ruut(1991), "Is Happiness Relative?" ,**Social Indicators Research** 24: 1-34.